

## Designing the Image Strategies of the Islamic Republic of Iran in Intercultural Communication Based on The “Second Phase of the Revolution” Statement

Sayyed Mohammad Yahya Hashemi Tangestani<sup>1</sup>  
Hassan Bashir<sup>2</sup>

(Received on: 2022-05-30; Accepted on: 2023-09-11)

### Abstract

Due to the increasing development of communication technologies and the formation of new communication relationships, the issue of cultures and intercultural communication are also highlighted. One of the main elements in intercultural communication is the issue of image. The image is the first and most important step in establishing such a relationship, and paying attention to it will be an introduction to the whole discussion of intercultural communication. For this reason, the Islamic Republic, due to the special characteristics of the Islamic Revolution, is facing the issue of image in its intercultural relations, which is doubly important in view of its global concerns. Meanwhile, the text of the statement of the second phase of the Islamic Revolution is the main document that explains the movement of the Islamic Republic in the coming years. Similarly, the Islamic Republic's image-building operation in intercultural relations will be based on the references of this text.

In this article, we have tried to examine the statement by using the theories presented in different fields, especially the theories that have been proposed under the field of intercultural communication with a focus on identity and image, as well as by adopting thematic analysis methods.

The need to pay attention to different levels of government behavior with the Islamic Republic and the idea of the Islamic Revolution and to pay attention to the specific characteristics of different cultures and adopt a position appropriate to their general orientations are among the findings extracted in this article.

**Keywords:** Coordinated Management of Meaning, Intercultural Communication, The “Second Phase of the Revolution” Statement, Image, Identity.

---

1 . PhD Candidate, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. hashemit121@gmail.com

2 . Professor, Faculty of Islamic Education, Culture and Communication, Imam Sadiq University. bashir@isu.ac.ir

## طراحی راهبردهای وجهه جمهوری اسلامی در ارتباطات میان فرهنگی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سید محمدیحیی هاشمی تنگستانی<sup>۱</sup>

حسن بشیر<sup>۲</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰]

### چکیده

با توجه به گسترش فناوری‌های ارتباطی و ظهور مناسبات ارتباطی جدید، مسئله فرهنگ‌ها و ارتباطات میان فرهنگی نیز برجسته می‌شود. یکی از اصلی‌ترین عناصر در این زمینه مسئله وجهه است. وجهه اولین و مهم‌ترین گام در برقراری چنین مناسباتی است و مقدمه‌ای بر ورود به کلیت بحث ارتباطات میان فرهنگی خواهد بود. جمهوری اسلامی نیز به دلیل مختصات خاص انقلاب اسلامی، در ارتباطات میان فرهنگی با مسئله وجهه مواجه است که با توجه به دغدغه‌های جهانی آن اهمیت دوچندانی دارد. لذا بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اصلی‌ترین سندی است که حرکت جمهوری اسلامی در سال‌های آتی را تبیین می‌کند. به همین ترتیب عملیات و وجهه‌سازی جمهوری اسلامی در ارتباطات میان فرهنگی نیز بر پایه اشارات این متن خواهد بود. در این مقاله کوشیده‌ایم با استفاده از نظریات مطرح شده در حوزه‌های مختلف (خصوصاً نظریات ذیل ارتباطات میان فرهنگی) که با تمرکز بر هویت و وجهه‌سازی طرح شده‌اند، و با روش تحلیل مضمونی، این بیانیه را بررسی کنیم. لزوم توجه به سطوح مختلفی از رفتار دولت‌ها با جمهوری اسلامی و اندیشه انقلاب اسلامی و توجه به مختصات خاص فرهنگ‌های مختلف و اتخاذ موضعی متناسب با جهت‌گیری‌های آنان از جمله یافته‌هایی است که در این مقاله استخراج شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت هماهنگ معنا، ارتباطات میان فرهنگی، بیانیه گام دوم انقلاب، وجهه، هویت.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hashemit121@gmail.com

۲. استاد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

bashir@isu.ac.ir

## مقدمه

باتوجه به گسترش کمی و پیشرفت های کیفی فناوری در حوزه فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی و اهمیت روزافزون مقوله «ارتباطات» در سطوح مختلف زندگی جمعی، مفهوم «وجهه» نیز به دلیل آنکه تأثیر به سزایی در مقوله ارتباطات دارد صورت بندی خاص و مسئله مندی پیدا خواهد کرد. در همین زمینه، پرداختن به مسئله وجهه جمهوری اسلامی بدون مرور ایدئولوژی آن (در معنایی عمومی و فارغ از جهت گیری های مثبت یا منفی) ممکن نخواهد بود. ایدئولوژی جمهوری اسلامی بر پایه دفاع از توحید و خداپرستی و رفع ظلم و شرک و ستمگری است. به بیان دیگر، مفاهیم اصلی گفتمان انقلاب اسلامی، مفاهیم خاصی هستند که در هنگام فعال شدن توانسته اند دل های بسیاری از مردمان جهان را به خود جلب کنند. با این حال، به نظر می رسد گذشت زمان و اهتمام نداشتن به آن شعارها باعث شده است برخی از مناسبات اصلی انقلاب اسلامی که جان مایه جمهوری اسلامی است زنگار بگیرد.

از آنجا که مفهوم «وجهه» در نسبتی مستقیم با مفهوم «هویت» قرار دارد و هویت اغلب با دوگانه هایی مبتنی بر خود-دیگری ساخته می شود، به نظر می رسد توجه مجدد به دوگانه خود-دیگری و بازسازی آن برای جمهوری اسلامی ضرورت خواهد داشت. همان طور که به مقتضای تحولات گفتمانی و سیاسی، کشور عراق روزی دشمن و روزی متحد راهبردی جمهوری اسلامی محسوب می شد، کشورها و ملت های دیگر نیز در طول این چهل سال با تحولاتی روبه رو بوده اند که این مسئله توجه مدام به منطق خود-دیگری را می طلبد. به بیان دیگر، «دیگری» در گستره تاریخی ایران در قالب های متفاوتی مطرح شده است (راه حق و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۹). با این حال، منطق خود-دیگری همچنان که می تواند با پُررنگ کردن مرزهای هویتی، به شکل گیری هر چه بیشتر آن بینجامد، می تواند در شکل های انحرافی یافته یا نارسای خود سبب جدایی و انفکاک میان هویت خود در مقابل هویت دیگری شود و ارتباط میان فرهنگی را از معنا و مفهوم اصلی اش دور کند.

در نتیجه، مسئله اصلی جمهوری اسلامی برای وجهه خود، مسئله‌ای است که باید در آن اهداف گفتمانی شیعی، منطقه‌ای، بومی در نسبتی هم‌افزا و نه متقابل با اهداف گفتمانی انسانی، جهانی، معنوی و آزادی خواهانه قرار بگیرند. در واقع، توجه هم‌زمان و توأمان به هر دو جنبه گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند وجهه جمهوری اسلامی را در موقعیتی مناسب قرار دهد؛ مخصوصاً که جهت‌گیری کلی جمهوری اسلامی بر مبنای تقدم منافع هویت محور بر منافع مادی بوده است (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۲۰).

همچنین، تقدم منافع هویت محور بر منافع مادی، الگوهای خاصی از ارتباطات میان فرهنگی را نیز ممکن می‌کند. زیرا همچنان که سطوح و بخش‌های مختلف حیات اجتماعی در هم تنیده شده‌اند، دو مقوله فرهنگ و ارتباطات نیز به نحو مضاعفی به هم گره خورده‌اند. از سوی دیگر، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به مناسبت چهل سالگی و بلوغ انقلاب اسلامی به همت آیت الله العظمی خامنه‌ای نگاشته و ابلاغ شد، یکی از اصلی‌ترین متونی است که جهت‌گیری‌های اصلی و کلان نظام اسلامی را بیان می‌کند. با وجود آنکه اغلب محتوای این بیانیه به بررسی مسائل داخلی کشور اشاره دارد، اما به تناسب آرمان‌های انقلاب اسلامی به مسائل مرتبط با فرهنگ‌ها و دولت‌های دیگر نیز توجه شده است. به این ترتیب توجه به این متن و استخراج مضامین مرتبط با مسئله وجهه و هویت، می‌تواند در شناسایی جهت‌گیری‌های بایسته کلی جمهوری اسلامی مفید باشد.

### چارچوب نظری و تبیین مفاهیم و نظریه‌ها

مفاهیم مختلف عموماً ذیل جهان‌بینی‌ها و چشم‌اندازهای نظری خاصی امکان تحقق و به تبع آن امکان بحث می‌یابند. به همین دلیل تبیین هر مفهوم و چارچوب یا چارچوب‌های نظری مرتبط با آن می‌تواند به گشایش منظرگاه‌های جدید در فهم و صورت‌بندی مسائل

منجر شود. در همین زمینه، می‌توان از زمینه‌های نظری متنوعی برای تبیین مسئله اصلی این مقاله یاری جست که عبارت‌اند از:

## ۱. ارتباطات میان فرهنگی

### ۱.۱. نظریه مدیریت هماهنگ معنا

نظریه مدیریت هماهنگ معنا ذیل نظریات وجهه در ارتباطات میان فرهنگی مطرح می‌شود. نظریه مدیریت معنا (CMM) تلاشی است که بر پایه سه پرسش اساسی سامان یافته است:

۱. مردم هنگامی که به روش معمول خود ارتباط برقرار می‌کنند چه می‌کنند؟

۲. چرا چنین می‌کنند؟

۳. آنها همراه با هم چه چیزی را ایجاد می‌کنند؟ (گادیکانست، ۱۳۹۶: ۱۰۳ و ۱۰۹)

دو پرسش اول، پرسش‌هایی هستند که به زمان ماضی و مضارع اشاره دارند. در این دو پرسش، به اقدامات کنشگران و ارتباط‌گران در زمان گذشته و به خصوص در زمان حاضر اشاره دارد. به این ترتیب می‌توان آنها را نوعی خوانش یا بازخوانش اتفاقات انجام شده یا در حال انجام دانست که نوعی توصیف یا تبیین وضعیت جاری محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر، پرسش سوم به نوعی از آینده احتمالی اشاره دارد و زمان آتی را محل بحث قرار می‌دهد. در این خصوص، بحث و پرسش از زمان آتی، می‌تواند دو مسیر متفاوت داشته باشد: گاه با نوعی از روند پژوهی یا آینده پژوهی، مسیر اتفاقات احتمالی حدس زده یا پیش‌بینی می‌شود؛ و گاه با توجه به اهداف، به مطرح کردن نوعی از توصیه‌ها، پیشنهادها و راه‌حل‌ها می‌انجامد. در نظریه CMM این مسیر دوم، یعنی ارائه گزاره‌های هنجاری و توصیه‌ای، مد نظر خواهد بود. به بیان دیگر، این نظریه در سه بخش توسعه پیدا می‌کند: تفسیری، انتقادی و عملی (همان:

۱۱۷). از سوی دیگر، نظریه مدیریت هماهنگ معنا بر پایه برخی مدعیات و انگاره‌ها بنا شده است. اصلی‌ترین انگاره‌ای که این نظریه را سامان می‌دهد توجه به این نکته است که ارتباط کنشگران در بستری از جریان‌های عموماً پنهان و مغفول شده واقع می‌شود که می‌تواند نقش مؤثر و سرنوشت‌سازی در خصوص نفس ارتباط ایفا کنند. به این ترتیب، «الگوی سلسله‌مراتبی معانی بازیگران» مفهوم مناسبی است که می‌تواند این مسئله را که کنش‌های ارتباطی همیشه در زمینه‌های چندگانه اتفاق می‌افتند به درستی نشان دهد (همان: ۱۰۴). با توصیفات ذکر شده می‌توان این گونه نتیجه گرفت که نظریه مدیریت هماهنگ معنا طرحی است که در آن به زمینه‌های فرهنگی، مضامین پنهان و روایت‌های اثرگذار ناشناخته در ارتباط توجه می‌شود و می‌کوشند با خود آگاهی و دیگر آگاهی راجع به آنها، مقوله ارتباط در نقطه‌ای بهینه‌تر و سالم‌تر قرار گیرد. در این معنا، نظریه مدیریت هماهنگ معنا نظریه‌ای پراگماتیستی است که مستقیماً بر پایه دغدغه‌ها و اهداف عملیاتی است که همان تسهیل در ارتباط، افزایش مدارا، عبور از نسبی‌گرایی خام و جزم‌گرایی خالص و... است.

### ۲.۱. نظریه وجهه- مذاکره

نظریه وجهه- مذاکره هم دیگر نظریه‌ای است که در خصوص وجهه در ارتباطات میان فرهنگی صورت‌بندی شده است. این نظریه، بر پایه این فرض بنا شده است که وجهه، همان عنصر بیرونی و ارتباطی است که فرهنگ‌ها به وسیله آن با هم تعامل می‌کنند. به بیان صریح‌تر، فرهنگ بر ارتباطات اثر گذاشته و ارتباطات، فرهنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان: ۱۵۶). در این نظریه، وجهه، منبعی با ارزش برای هویت در ارتباط با دیگران محسوب می‌شود. وجهه مستقیماً از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد و در ارتباط نقش انکارناپذیری ایفا می‌کند. بنابراین، بدیهی است که فرهنگ‌های متفاوت به صورت‌بندی وجهه‌های متفاوت

کمک می‌کنند. اصلی‌ترین دوگانه‌های فرهنگی که بر پایه آن تنوعات فرهنگی و در نتیجه امکان‌های وجهه‌سازی مختلف شناسایی می‌شود در این نظریه عبارت‌اند از:

۱. فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی: به این صورت که فرهنگ‌های فردگرا، راهبردهای مختلف و عملکردهای خاصی راجع به وجهه ایجاد می‌کنند و فرهنگ‌های جمع‌گرا گونه‌ای دیگر از راهبردها را متناسب با فرهنگ خود سامان می‌دهند.

۲. فرهنگ‌هایی با فاصله قدرت کم در مقابل فرهنگ‌هایی با فاصله قدرت بسیار: به این صورت که در فرهنگ‌هایی با فاصله قدرت کم، عموماً ارتباطات به نحوی افقی انجام می‌شود و بر ارزش‌ها و حقوق برابر تأکید می‌گردد، در حالی که در فرهنگ‌هایی با فاصله قدرت بسیار، سلسله‌مراتب و ارتباطات عمومی پُررنگ‌تر خواهد بود.

به این ترتیب، وجهه‌سازی میان فرهنگی فرآیندی خواهد بود که مراحل مختلفی از دانش، آگاهی و مهارت‌های ارتباطی را ادغام کرده، در مدیریت موقعیت‌های تعارضی مبتنی بر هویت به شکل مؤثر و مناسبی ایفای نقش می‌کند (همان: ۱۵۹). همچنین، نظریه وجهه‌سازی بر پایه برخی فرضیه‌های نظری بنا شده که سه فرضیه از آنها اهمیت دوچندان دارد و مرورشان می‌تواند به شناساندن مقاصد این نظریه کمک کند:

۱. مردم در همه فرهنگ‌ها برای حفظ و مذاکره وجهه تلاش می‌کنند.
۲. ابعاد تنوع فرهنگی و فاصله قدرت و ... سبک‌های وجهه‌سازی را شکل می‌دهند.
۳. مفهوم «وجهه»، خصوصاً در موقعیت‌های عاطفی آسیب‌پذیر و مسئله‌ساز است (همان). با این توصیف، می‌توان از گونه‌ای تحرکات چهره نیز نام برد که در آن چهره‌های مذاکره‌کننده برای حفظ، دفاع یا ارتقای چهره خود به برخی اقدامات متوسل می‌شوند. این تحرکات می‌تواند بر پایه بالا یا پایین بودن نگرانی برای خودانگاره یا دیگرانگاره تقسیم شود و به این ترتیب ماتریسی چهاروجهی شکل گیرد که در آن چهار حرکت شناسایی می‌شود.

جدول شماره ۱

نگرانی برای دیگرانگاره پایین	نگرانی برای دیگرانگاره بالا	
حرکات دفاعی خودانگاره	حرکات حمایتی چندانگاره	نگرانی برای خودانگاره بالا
حرکات محو چندانگاره	حرکات ارتقایی دیگرانگاره	نگرانی برای خودانگاره پایین

(گادیکانست: ۱۶۵)

از سوی دیگر، راهبردهای تعاملی متفاوتی برای وجهه‌سازی به نسبت هر کدام از وجهه‌ها وجود دارد. مثلاً راهبردهای حفظ چهره میان فرهنگی طیف وسیعی از رفتارهای تسلط‌گرایی، اجتناب و یکپارچه‌سازی را پوشش می‌دهد (همان: ۱۶۷)، در حالی که می‌توان از منظری دیگر، از راهبردهای پیش‌گیرانه شامل اعتبار دادن، تعلیق تجدید نظر قضاوت، پیش‌افشاگری، پیش‌عذرخواهی، طفره رفتن، و سلب مسئولیت در مقابل راهبردهای ترمیمی مانند پرخاشگری مستقیم، بهانه‌ها، توجیه‌ها، شوخ‌طبعی، بازسازی فیزیکی، پرخاشگری منفعل، اجتناب و پوزش نام برد (همان: ۱۷۰). علاوه بر این، سبک‌های ارتباطی تعارضی متنوعی هم ذیل این نظریه مطرح شده که تحت عنوان «سبک‌های سلطه‌گرا»، «سبک‌های اجتنابی»، «سبک‌های التزامی»، «سبک‌های سازش‌کارانه» و «سبک‌های یکپارچه‌سازی» تقسیم‌بندی شده‌اند (همان: ۱۷۳). به این ترتیب، نظریه وجهه-مذاکره می‌تواند با شناسایی تنوعات فرهنگی و توجه به این تنوعات مانند فاصله قدرت کم یا زیاد یا فردگرا و جمع‌گرا بودن فرهنگ‌ها، به شناسایی برخی از این راهبردها اقدام کند. همچنین، وجهه‌سازی شامل حوزه‌های محتوایی متنوعی نیز خواهد بود که شامل وجهه خودمختار، وجهه شمول، وجهه تصدیقی، وجهه مطمئن، وجهه شایستگی و وجهه اخلاقی می‌شود (همان: ۱۷۵). مجموع این نکات به ارائه ۲۴ گزاره در سه سطح فرهنگی، فردی و موقعیتی می‌انجامد که به ترکیب و بازآگاهی دسته‌بندی‌های این نظریه از فرهنگ‌ها و اتخاذ راهبردهای مختلف منجر می‌شود.



### ۳.۱. نظریه مدیریت هویت

علاوه بر دو نظریه فوق، می‌توان تا حدودی از نظریه مدیریت هویت استفاده کرد که وجهه‌سازی در روابط میان فرهنگی را مد نظر دارد. در این نظریه، با اتکا به برخی مبانی که در بخش‌های پیشین نیز به آنها اشاره شد، راهبردهای مختلفی مطرح می‌شود که افراد در سه مقطع تعلیق هویتی، دیالکتیک میان وجهه خود-دیگری و دیالکتیک میان وجهه مثبت-منفی اتخاذ می‌کنند (همان: ۳۶۱). به این ترتیب می‌توان طیف گسترده‌ای از راهبردهای مختلف ذیل چهار تاکتیک اصلی تأیید وجهه مثبت خود، تأیید متقابل وجهه مثبت، تأیید وجهه مثبت دیگری و تأیید متقابل وجهه منفی اشاره کرد (همان). البته در اینجا مفهوم وجهه مثبت و منفی به معنای خوب یا بد مطرح نشده‌اند، بلکه وجهه مثبت به وجوه ایجابی وجهه و وجهه منفی به وجوه سلبی و آزادکننده وجهه اشاره دارد (همان: ۳۵۸). بنابراین و به طور کلی، نظریه‌های مرتبط با وجهه می‌توانند از دو منظر به پرسش ارائه شده پاسخ دهند. ابتدا با ترسیم و توصیفی از موقعیت کنونی ما و دیگران و ایجاد آگاهی راجع به اهمیت وجهه، کارکرد وجهه، شیوه عملکرد وجهه، عوامل اثرگذار بر وجهه، و سپس با ارائه راهکارهایی متناسب با این طرح‌های ارائه شده به منظور پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی و دفاع از آن و بازسازی وجهه آن.

### ۲. دیپلماسی فرهنگی

منظور از دیپلماسی فرهنگی تلاش برای درک، مطلع کردن، مشارکت دادن و تأثیر گذاشتن بر مردم دیگر کشورها است (عباسی و قنبری سلحشور، ۱۳۹۷: ۹۷). در این نگاه، دیپلماسی فرهنگی نوعی از تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به منظور تفاهم متقابل است و نوعی از تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی محسوب می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۱).

### ۳. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی در تقابل با دیپلماسی سنتی فهم و تبیین می‌شود. در این نگاه، دیپلماسی عمومی ابزاری است که دولت‌ها با استفاده از طیف وسیعی از برنامه‌های تبادل علمی، فرهنگی و رسانه‌ای برای بسیج منابع به منظور ایجاد ارتباط و جذب توده سایر کشورها بهره می‌گیرند (دوتا-برگمن، ۱۳۹۴: ۱۴۶-۱۴۷). بنابراین، متصور است که این نوع دیپلماسی مستلزم برقراری ارتباطاتی هماهنگ میان اجزا و عناصر متکثر یک کشور خواهد بود. با این حال، نقش اصلی دیپلماسی عمومی کماکان بر عهده دولت‌ها است و اساساً فرآیندی دولتی شناخته و مطرح می‌شود (ایزدی، ۱۳۹۰: ۳۶).

### ۴. ارتباطات میان‌ادیانی

ارتباطات میان‌ادیانی را می‌توان حوزه جدیدالتأسیسی دانست که پیرامون اهمیت ادیان در عرصه ارتباطات میان‌فرهنگی و ارتباطات بین‌الملل و متمرکز بر سه مفهوم «دین»، «فرهنگ» و «ارتباطات» صورت‌بندی شده است. این سطح از مطالعه ارتباطات در واقع سطحی فراتر از سطوحی چون نژاد، زبان، قومیت، سبک زندگی و ... را بررسی می‌کند که در آن لزوم توجه میان‌رشته‌ای به ارتباطات میان‌ادیان را نیز برجسته می‌سازد (بشیر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸).

### مسئله روش

کدگذاری مضمونی که با نام «تحلیل مضمون» نیز شناخته می‌شود، روشی برای تحلیل و کدگذاری داده‌ها در مطالعات و تحقیقات مقایسه‌ای است که در نتیجه آن امکان مقایسه میان داده‌ها فراهم می‌شود. در تحقیقاتی که از این شیوه در آنها استفاده می‌شود، پیش از هر چیز گروه‌هایی که بررسی می‌شود بر حسب مسئله پژوهش مشخص می‌گردد. موضوع

این‌گونه تحقیقات نیز عموماً بررسی توزیع اجتماعی دیدگاه‌های مرتبط با یک مفهوم یا یک فرآیند است و می‌توان از آنها برای ادراک الگوهایی که داده‌های کیفی موجودند استفاده کرد. به همین ترتیب می‌توان این‌گونه گفت که تحلیل مضمون بیش از آنکه روشی کیفی باشد، فرآیندی است که در اکثر روش‌های کیفی استفاده می‌شود و در طی آن می‌توان به اهدافی چون مشاهده متن، درک و برداشت نظام‌مند از داده‌های ظاهراً بی‌ارتباط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، گروه، سازمان، موقعیت و همچنین تبدیل اطلاعات کیفی به اطلاعات کمی دست یافت. به همین دلیل این مسئله نه صرفاً نوعی روش، بلکه بنیادی برای طرح دیگری روش‌های کیفی محسوب می‌شود. در این روش، افراد و گروه‌هایی به عنوان نمونه انتخاب می‌شود که بیشترین اطلاعات را برای موضوع تحقیق فراهم می‌کنند. گردآوری داده‌ها به نحوی صورت می‌گیرد که با تعریف عناوین موضوعی، امکان مقایسه را فراهم آورد و هم‌زمان راه را برای جمع‌آوری دیدگاه‌های مربوط به این موضوع‌ها باز بگذارد. این مسئله می‌تواند از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته یا مصاحبه واقعه‌مدار اتفاق بیفتد؛ مصاحبه‌هایی که در آنها حوزه‌های موضوعی متناظر با موقعیت‌های مدنظر تعریف می‌شود (حریری، ۱۳۸۵: ۲۵۷).

در روش تحلیل مضمون و کدگذاری مضمونی، ابتدا هر یک از داده‌های مطالعه، به عنوان موردی خاص بررسی می‌شود. بعد از بررسی تک‌تک اینها مرحله دوم آغاز می‌شود که ابتدا توصیف کوتاهی از هر یک از موارد بررسی شده داده می‌شود. این توصیف در مراحل بعد مجدداً بررسی می‌شود. این توصیف نیز در مراحل بعد و در صورت لزوم مجدداً تعدیل و اصلاح می‌شود.

مهم‌ترین رکن در تحلیل مضمون، شناخت «مضمون» است. بدین ترتیب باید انواع مضمون‌ها و روش‌های شناسایی آنها پیش از هر چیز احصا شود. در ادبیات روش‌شناسی، چندان به مفهوم خود این واژه (مضمون) پرداخته نشده و غالباً به مثابه الگویی یاد شده که

نشان دهنده نکته جالب توجهی درباره موضوع تحقیق است و با استفاده از شعور متعارف بازشناسی می‌شود (عابدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۷). با این حال، می‌توان آن را ویژگی تکراری و متمایزی در متن دانست که به نظر پژوهشگر نشان دهنده درک و تجربه خاصی راجع به پرسش‌های تحقیق است.

مسئله شناخت مضمون، با توجه به اینکه تقریباً تمامی فرآیند تحقیق بر پایه آن اتفاق می‌افتد ضروری است. نظر به اینکه تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی محسوب می‌شود پاسخ مشخصی برای این مسئله وجود ندارد که مقدار داده‌های لازم که بر وجود مضمونی دلالت داشته باشند چقدر است. بنابراین، شناخت مضمون به میزان کمیت آن وابسته نیست، بلکه به این نکته وابسته است که چقدر به موضوع تحقیق مرتبط است. با این حال، کینگ و هاروکس (King & Horrocks, 2010) سه راهبرد اساسی برای شناخت و تعریف مضمون مطرح کرده‌اند:

۱. شناخت مضمون به معنای جست‌وجوی نکته جالب توجه در میان داده‌ها نیست، بلکه پژوهشگر باید مشخص کند در داده‌ها به دنبال چه چیزی می‌گردد و از چه چیزهایی باید صرف نظر کند.

۲. واژه «مضمون» متضمن تکرار است. بنابراین، جز آنچه نقش مهمی در متن داشته باشد، نمی‌توان مسئله‌ای را که صرفاً یک بار بیان شده است «مضمون» نامید.

۳. مضامین باید کمترین همپوشانی را با هم داشته باشند؛ اگرچه این مسئله تا حدودی در میانشان اجتناب‌ناپذیر است.

### مسئله وجهه جمهوری اسلامی

بررسی این مسئله که جمهوری اسلامی چه چهره‌ای نزد افکار عمومی و ملت‌های مختلف دارد بسیار دشوار است. دسترسی به این مسئله علاوه بر آنکه نیازمند حجم عظیمی از داده‌ها با تنوعات مختلف است، به مسئله اعتبار این داده‌ها و پایایی و روایی‌شان نیز

وابسته است. در نتیجه هنگام بررسی وجهه‌سازی در جمهوری اسلامی می‌توانیم از اقداماتی نام ببریم که جمهوری اسلامی تاکنون در این مسیر انجام داده است. اولین و مستقیم‌ترین منبع درباره وجهه جمهوری اسلامی به موضوع‌گیری‌های رسمی مقامات یا نهادهای آن برمی‌گردد.

دومین منبع فعالیت‌های فرهنگی رسمی دولتی است که در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای مانند سحر، پرس تی‌وی، هیسپان تی‌وی، العالم و ... سامان یافته‌اند. این بخش از فعالیت‌ها، اصلی‌ترین قسمت فعالیت‌های وجهه‌سازانه جمهوری اسلامی است که مستقیماً بر این مبنا سامان یافته و به نوعی بازوی اصلی جمهوری اسلامی در این زمینه محسوب می‌شود. این شبکه‌های ماهواره‌ای بر این مبنا متولد شده‌اند که موضوع‌گیری‌های رسمی و اداری که کارکردی عموماً بین‌المللی دارند نمی‌توانند پاسخ‌گوی ترسیم چهره‌ای منسجم از جمهوری اسلامی باشند و باید با ایجاد و تأسیس برخی فعالیت‌های فرهنگی با مخاطبان عمومی و افکار عمومی ارتباط برقرار کرد.

سومین منبع وجهه‌سازی جمهوری اسلامی، کانون‌های تبلیغی و مراکز فرهنگی است که ذیل سازمان‌های دولتی در کشورهای گوناگون شکل گرفته‌اند و متناسب با ظرفیت‌های خود تاکنون در مسیر ساخت وجهه جمهوری اسلامی نقش داشته‌اند.

چهارمین منبع وجهه‌سازی جمهوری اسلامی، عملکرد کاربران فضای مجازی است. در حالی که کاربران فضای مجازی به طور طبیعی عقاید و اندیشه‌هایشان را در شبکه‌های اجتماعی و پایگاه‌های اینترنتی ارائه می‌کنند، اتکاب به کلیدواژه‌هایی مانند «افسران جنگ نرم» یا «آتش به اختیار»، انگیزه مضاعفی در کاربران مدافع جمهوری اسلامی ایجاد کرده است.

با عنایت به این چهار منبع باید به دو نکته اشاره کرد:

۱. منابع ذکرشده، منابعی است که با هدف ایجاد وجهه‌ای مثبت از جمهوری اسلامی تشکیل شده‌اند. این مسئله محل توافق همگان است که برخی منابع مانند

شبکه‌های خبری وابسته به دولت‌های غربی یا عربی در جهتی مخالف این مقصود تشکیل شده‌اند که می‌توانند در این مسیر اختلال ایجاد کنند.

۲. منابعی که در وجهه‌سازی جمهوری اسلامی دخالت دارند به چهار منبع فوق محدود نیست و منابع پُر تعداد دیگری را شامل می‌شود و در اینجا صرفاً به دلیل برجستگی این چهار منبع به آنها اشاره شده است. با این حال، پدیده‌ای مانند شهید قاسم سلیمانی که نماینده بسیاری از ارزش‌های اسلامی و میهنی در افکار عمومی و داخلی بود، نمونه‌ای است که هرچند در دسته‌بندی چهارگانه ذکر شده نمی‌گنجد، اما توانست با ترسیم نوعی الگوی سیاست خارجی بشردوستانه و غیرمنفعت‌طلبانه وجهه جمهوری اسلامی را به نحو چشمگیری ارتقا ببخشد (سعیدی، ۱۴۰۰: ۳۸).

در نتیجه، به جای پرسش از «چگونگی وضعیت وجهه جمهوری اسلامی» در دیدگاه افراد مختلف که احتمالاً به نتایج متکثری منجر می‌شود و دشواری‌های روشی نیز دارد، می‌توانیم ماهیت سازوکار و عملکرد درونی فرآیند وجهه‌سازی در جمهوری اسلامی را مد نظر قرار دهیم. البته قضاوت درباره این مسئله نیز به شدت به پرسش اول وابسته خواهد بود، اما با توجه به برخی آرمان‌ها از یک سو و برخی از موقعیت‌ها و گزاره‌هایی که دانش ارتباطات و جامعه‌شناسی و دانش‌های مرتبط با علوم انسانی درباره مناسبات جهانی پیش پای ما می‌کشایند، می‌توان تا حدودی آن را ارزیابی کرد.

به این ترتیب، وجهه‌سازی جمهوری اسلامی در مواجهه با دولت‌های دیگر، متناسب با دولت‌های مختلف ایران و نقش آنها در کیفیت پردازش این وجهه متفاوت بوده است. اما مواجهه فرهنگی جمهوری اسلامی تا آنجا که به مراکز فرهنگی یا شبکه‌های ماهواره‌ای و ... برمی‌گردد و مردم عادی را مخاطب قرار می‌دهد عملکرد پُرنوسانی داشته است. از یک سو شبکه‌های ماهواره‌ای مانند العالم توانستند باعث آزاد شدن برخی از ظرفیت‌های جمهوری اسلامی شوند و از سوی دیگر مراکز فرهنگی و تبلیغی و دیگر مراکز مرتبط به علت غلبه

مناسبات بوروکراتیک و روح بی تحرکی نتوانسته‌اند عملکرد مطلوبی داشته باشند. این نکته با مروری بر فعالیت فرهنگی برخی کشورهای دیگر قابل دفاع خواهد بود.

## **بازسازی منطق خود و دیگری؛ استوارکردن وجهه بر پایه ایدئولوژی با اهداف راهبردی و تاکتیکی**

همچنین، اگر مناسبات دینی/رهایبی بخش/بشری/الاهیاتی را در دوگانه‌ای مقابل مناسبات فرقه‌ای/منحصر/فاقد الاهیات/سیاسی قرار دهیم، درمی‌یابیم که تلاش اصلی کانون‌های رسانه‌ای و فرهنگی که علیه جمهوری اسلامی فعالیت دارند در راستای تثبیت عناصر دسته دوم است؛ این در حالی است که مطابق با آرمان‌های انقلاب اسلامی، مسئله نژاد، قومیت و مذهب نزد جمهوری اسلامی در مقابل جهانی بودن، انسانی بودن و توحیدی بودن به معنای عام نیست. تثبیت این گفتمان که کشورهای مختلف و ملت‌هایشان می‌توانند روی نقطه مشخصی میان طیف خداپرستی/معنویت/انسانیت و طاغوت‌های محلی و جهانی/مناسبات فرقه‌ای/مادی‌گرایی قرار بگیرند و عبور از منطق دوگانه می‌تواند وجهه جمهوری اسلامی را همسو با مفاهیم بنیادین انقلاب اسلامی و در نسبتی هم‌افزا با آموزه‌های فطری و الهی که در اغلب نوع بشر استقرار دارد و پرده‌های گوناگونی از غفلت بر روی آن قرار گرفته، سامان دهد.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که هنگام سخن‌گفتن از نسبت جمهوری اسلامی با مردمان و دولت‌های دیگر، باید مسئله دولت‌ها و ملت‌ها را از هم تفکیک کرد. در واقع، فرهنگ‌های مختلف، علی‌رغم انطباق‌های درخور توجه، تفاوت‌های چشمگیری نیز با دولت‌های خود دارند. مثلاً دولت فرانسه دولتی است که رسماً لائیک بودن را می‌پذیرد و به این ترتیب مسئله وجهه-مذاکره در مقابل این دولت با مردم آن که جمعیت مسیحی و مسلمان قابل توجهی دارد متفاوت خواهد بود.

## تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مثابه مرام‌نامه جهت‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران

باید توجه داشت که به علت اختصار و فشردگی مطالب در این بیانیه، نمی‌توان کثرت مضامین را محل توجه قرار داد، بلکه باید این نکته را متذکر شد که صرف اشاره به برخی موضوعات در بیانیه گام دوم، نشان از اهمیت آنها است و به همین دلیل گاه اشاره‌ای کوتاه به یک مسئله نیز می‌تواند در معرض توجه و تحلیل قرار گیرد.

جدول شماره ۲

ردیف	متن بریده‌شده از بیانیه گام دوم	مضمون اولیه	کد شناسایی مضمون
۱	شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است.	فطری بودن انقلاب اسلامی	A
۲	جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به‌شدت پای‌بند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس است.	اهمیت مرزبندی با دشمنان اصول انقلاب اسلامی	B
۳	این انقلاب ... با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.	دفاع از مظلومان و مستضعفان	C
۴	این جوان‌مردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.	دامنه‌عمل جهانی و منطقه‌ای انقلاب اسلامی	D
۵	پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدیدآمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.	تقابل اسلام و استکبار به عنوان اصلی‌ترین تقابل و دوگانه انقلاب اسلامی	E



ردیف	متن بریده شده از بیانیه گام دوم	مضمون اولیه	کد شناسایی مضمون
۶	نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم، بدان دوخته شد.	نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم به انقلاب اسلامی	F
۷	نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا، به‌ویژه میان جوانان، رونق یافت و تا امروز، روز به‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لیجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است.	اهمیت معنویت و اخلاق	G
۸	در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الاهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی، به‌ویژه جوانان این مرز و بوم، به شمار می‌رفته است.	پاسداری از انقلاب اسلامی و دشمنی با دولت‌های متکبر	H
۹	امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.	حمایت از جریان‌های ضد صهیونیستی در خاورمیانه	I
۱۰	استقلال ملی به معنای آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است.	مرزبندی با حکومت‌های زورگو	J
۱۱	آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الاهی به انسان‌هایند و هیچ کدام تفصل حکومت‌ها به مردم نیستند.	آزادی و حق انتخاب عطیه‌ای الاهی	K

ردیف	متن بریده شده از بیانیه گام دوم	مضمون اولیه	کد شناسایی مضمون
۱۲	معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.	اهمیت معنویت و مؤلفه‌های دینی	L
۱۳	امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛	بی‌اعتمادی به برخی دولت‌های همسوسبا استکبار	M
۱۴	این جوان‌مردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.	جوان‌مردی و مروت در حق فرهنگ‌های دیگر	N
۱۵	شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت.	اهمیت معنویت و اخلاق در جامعه	O
۱۶	ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.	ضرورت تقویت جریان‌های معنوی و مبارزه با جریان‌های ضد معنویت و دینداری	P

ردیف	متن بریده شده از بیانیه گام دوم	مضمون اولیه	کد شناسایی مضمون
۱۷	ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه های دشوار در مسائل اساسی خویش است.	همسویی فطرت طلبان جهان با انقلاب اسلامی	Q
۱۸	در موضوعاتی همچون جنایات غرب، به خصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ افروزی ها و رذالت ها و دخالت های قدرت های قلدر در امور ملت ها و امثال آن را از انحصار طبقه محدود و عزلت گزیده های به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.	مخاطب قراردادن همه مردم در خصوص شعارها و انگیزه های انقلاب اسلامی	R
۱۹	از سویی نگاه امیدوارانه ملت های زیر ستم و جریان های آزادی خواه جهان و برخی دولت های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه ورزانه و بدخواهانه رژیم های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم بدان دوخته شد.	تمایل برخی دولت ها به همسویی با انقلاب اسلامی	S
۲۰	انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چارچوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.	توجه به مسئله دین در کنار مسئله دنیا	T

بدین ترتیب اگر بخواهیم مضامین استخراج شده از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را بر این اساس مرور کنیم، با چنین دسته بندی ای مواجه خواهیم بود:

B, E, H, I, J, M, S	مضامین ذیل تنظیم ارتباط با دولت ها
A, C, D, F, G, K, L, N, O, P, Q, R, T	مضامین ذیل تنظیم ارتباط با ملت ها و فرهنگ ها

در مسئله ارتباط با دولت ها، توجه به موضع اصلی شان در قبال انقلاب اسلامی و رویکرد کلی ترشان در اتخاذ موضعی همسویا مخالف جریان های استکبار جهانی محل توجه این

بیانیه بوده است. در این بیانیه دولت‌ها به چند دسته تقسیم شده‌اند: دولت‌های مستکبر، دولت‌های همسو با دولت‌های مستکبر، دولت‌های بی‌اراده و دولت‌های متمایل به همکاری با انقلاب اسلامی.

از سوی دیگر، در مسئله ارتباط با ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون نیز سطوح متفاوتی از شناسایی و دسته‌بندی فرهنگ‌ها مطرح شده است. به این ترتیب در کلی‌ترین سطح، فرهنگ‌های گوناگون از حیث فطری بودن بر مبنایی مشترک و عام استوارند. اما در سطوح متکثرتر فرهنگ‌ها بر اساس دوری و نزدیکی با فرهنگ اسلامی دسته‌بندی می‌شوند. این دوری و نزدیکی گاه معرفتی است و باعث شناسایی فرهنگ‌های دینی و الهی، فرهنگ‌های دینی بشری، فرهنگ‌های غیردینی و نهایتاً فرهنگ‌های ضددینی می‌شود و از سوی دیگر گاه این تقسیم‌بندی بر مبنای نزدیکی و دوری جغرافیایی است و فرهنگ مردمان منطقه، قاره و نهایتاً فرهنگ‌های جهانی را شامل می‌شود. به همین ترتیب با ضرب برخی از سطوح دسته‌بندی راجع به فرهنگ‌های گوناگون ملل مختلف، می‌توان برخی از فرهنگ‌ها را محل توجه قرار داد که در مواجهه با فرهنگ ایرانی اسلامی انقلاب اسلامی موضوعیت پیدا می‌کنند. با این حال و به تبع تأکیداتی که در بیانیه گام دوم آمده است، در این تحلیل، اغلب، فرهنگ‌های درون‌دینی، میان‌ادیانی و فرهنگ‌هایی که در نسبت‌هایی با سیاست و فرهنگ جمهوری اسلامی موضوعیت دارند بررسی شده‌اند.

### راهبردهای ناظر به ارتباط میان دولت‌ها

مواجهه با دولت‌ها بر اساس دوری و نزدیکی دولت‌ها متفاوت خواهد بود و اگر بخواهیم اقدامات لازمی را که در راستای مسئله وجهه با توجه به نظریه‌های ناظر به آن وجود دارد مطرح کنیم، می‌توانیم در جدول زیر به صورت مختصر و یکجانشان دهیم:

انواع دولت	سیاست و راهبردها	اقدام عملیاتی	نظریه پشتیبان
دولت‌های متخاصم و هم‌پیمانان: آمریکا، انگلستان، فرانسه و ...	تأکید بر وجهه منفی حرکات دفاعی خودانگاره	مقاومت در مقابل زورگویی و تهدید مطرح کردن آرمان‌های انقلاب اسلامی در کلیت آن	نظریه مدیریت هویت CMM
دولت‌های متحد راهبردی: سوریه، عراق و ...	تأکید بر وجهه مثبت متقابل حرکات حمایتی چندانگاره	تأکید بر انگاره‌های هویتی مشترک مانند بوم مشترک، مذهب مشترک و ...	نظریه مدیریت هویت CMM
دولت‌های هم‌پیمان تاکتیکی: روسیه، چین و ...	تأکید بر وجهه منفی متقابل حرکات حمایتی چندانگاره	تأکید بر استقلال ملت‌ها	نظریه مدیریت هویت CMM
دولت‌های بی‌موضع و کم‌ارتباط: کشورهای کوچک	تأکید بر وجهه مثبت حرکات ارتقایی دیگرانگاره	برجسته‌کردن وجوه جهانی، معنوی و انسانی گفتمان انقلاب اسلامی	نظریه مدیریت هویت CMM
دولت‌های بدبین: مصر، لهستان و ... که هم‌پیمانان کم‌اثر دسته اول هستند	تأکید بر وجهه مثبت و اجتناب حرکات دفاعی خودانگاره	برجسته‌سازی وجوه آزادی خواهانه و صلح طلبانه در ابعاد جهانی و نه صرفاً منطقه‌ای	نظریه مدیریت هویت CMM
دولت‌های همسو: ونزوئلا، بولیوی و ...	تأکید بر وجهه منفی متقابل حرکات حمایتی چندانگاره	برجسته‌سازی گفتمان ضدامپریالیستی بر پایه ویژگی‌های فطری	نظریه مدیریت هویت CMM

### راهبردهای ناظر به فرهنگ‌ها

مواجهه با فرهنگ‌ها، متفاوت با مواجهه با دولت‌ها است. همچنان که مواجهه با دولت‌ها اغلب از تریبون‌های رسمی و در قالب مواضع مسئولان یا حتی در اخبار

رسمی و شبکه‌های تلویزیونی دولتی مخابره می‌شود، راهبردهای ناظر به فرهنگ‌ها علاوه بر منابع قبل، از منابع متکثر دیگری مانند کنشگران و ارتباط‌گران در شبکه‌های اجتماعی بهره‌مند می‌شود.

به همین ترتیب و همچنان که ذکر شد، توجه به فرهنگ‌های مختلف در این بیانیه در سطوح متفاوتی مطرح شده است. اولین و درونی‌ترین فرهنگ، همان فرهنگ اسلام ناب محمدی است که زمینه‌ساز پیدایی انقلاب اسلامی شد. به همین ترتیب فرهنگ‌هایی که در درون گفتمان اسلامی قرار گیرند اولین مخاطبان این بیانیه هستند. سپس فرهنگ‌های میان‌ادیانی و نهایتاً فرهنگ‌هایی محل توجه قرار گرفته‌اند که بر اثر اقتضائات سیاسی و جغرافیایی و بر مبنای انگاره مشترکی از فطرت عمومی با فرهنگ اسلامی پیوند می‌خورند.

## ۱. فرهنگ شیعی

جدول شماره ۴

مضمون مرکزی	اقدام عملیاتی	جغرافیا و موقعیت
تأکید بر فطری و دینی بودن تشیع در مقابل نگاه فرقه‌ای	تأکید بر فطری بودن جریان تشیع کمک به همیاری و همکاری‌های گروه‌های شیعه در سطح محلی در کشورهای خود	شیعیان کشورهای دور
تأکید بر ارتباط با جریان‌های مختلف و نگاه حداکثری به آنها	تأکید بر ویژگی‌های انسجام‌بخش هویت شیعه مدارا، بی‌اعتنایی و فقدان مواجهه شدید با جریان‌های مختلف مخالف در میان شیعیان (مثل جریان مقتدی صدر یا حتی شیرازی‌ها)	شیعیان منطقه خاور میانه

## ۲. فرهنگ اسلامی

جدول شماره ۵

مضمون مرکزی	اقدام عملیاتی	جغرافیا و موقعیت
وحدت و برجسته‌سازی آن	تأکید بر ویژگی‌های هویت‌بخش اسلامی برجسته‌سازی سیره پیامبر و دیگر پیامبران الاهی برجسته‌سازی مفهوم «امت اسلامی» در کلیت آن تولید آثار تلویزیونی با محوریت پیامبران الاهی	مسلمانان منطقه خاورمیانه
توجه به مقوله امت‌سازی	حمایت از ارتباطات گروهی و درونی مسلمانان به منظور تمشیت امور روزمره در کشورهای خود تأکید بر ویژگی‌های فطری، انسانی و امت‌ساز اسلام پرهیز از برجسته‌سازی مفاهیم شیعه و سنی کمک به برقراری ضروریات زندگی مؤنانه مانند توزیع گوشت حلال، مساجد بین‌راهی، قرض‌الحسنه و ...	مسلمانان اروپا و آمریکا
توجه به حیات روزمره جریان‌های اسلامی	تأسیس و کمک در جهت پیشبرد ضروریات زندگی مؤنانه مانند ذبح حلال، قرض‌الحسنه و ... کمک به ایجاد شبکه‌های مردمی میان مسلمانان به منظور شناسایی یکدیگر	مسلمانان کشورهای دیگر
صراحت و استقامت در برقراری مواضع	دوری از مواضع دوپهلوی و سازش‌گرانه با دولت‌های مستکبر ارتباط بدنه جریان‌های مردمی با یکدیگر طرح‌ریزی برای برقراری مناسک اسلامی با رویکرد ضد استکبارانه، مانند نماز عید فطر و ...	مسلمانان فعال ضد استکبار

### ۳. فرهنگ ادیان ابراهیمی

جدول شماره ۶

مضمون مرکزی	اقدام عملیاتی	جغرافیا و موقعیت
برجسته‌سازی ضرورت حیات دینی	تأکید بر ویژگی‌های الهی مسیحیت و اسلام برجسته‌سازی مسئله زندگی دینی و اهمیت آن در جوامع امروزی	مسیحیان کاتولیک کشورهای لاتین
برجسته‌سازی گفتمان فطرت	تأکید بر ویژگی‌های فطری اسلام برجسته‌سازی وجوه معنوی و بشری گفتمان انقلاب اسلامی	مسیحیان پروتستان
برجسته‌سازی حیات دینی	برجسته‌سازی اهمیت زندگی مؤمنانه در جوامع جدید برقراری همایش‌ها و هم‌اندیشی و مناسبت‌های مختلف با محوریت پیامبران بنی اسرائیل	یهودی‌ها

### ۴. فرهنگ‌های بشری

جدول شماره ۷

مضمون مرکزی	اقدام عملیاتی	جغرافیا و موقعیت
اتخاذ مواضع ضداستعماری در پهنه بین‌الملل	برجسته‌سازی گفتمان ضداستعماری تأکید بر وجوه آزادی انقلاب اسلامی برجسته‌سازی اسوه‌های مبارزاتی	جریان‌های ضداستعماری آمریکای جنوبی، آسیای جنوب شرقی و ...
ارتباط و نگاه جذب حداکثری بر پایه فطرت	دوری از غلبه نگاه‌های فرقه‌ای در مواضع ارتباط حضوری و ایجاد ارتباطات حضوری و مجازی فعالان بدنه مردمی	گفتمان‌های ضدامپریالیستی در اروپا و آمریکا
برقراری ارتباطات میان‌فرهنگی	بسترسازی برای ارتباطات حضوری و مردمی توجه به میراث‌های فرهنگی جهانی و نقش آنها در قالب تولیدات فرهنگی و ...	جریان‌های هویت‌طلب و بومی‌گرا در آفریقا، هند و ...



## نتیجه

ارتباط میان فرهنگی در جهان امروز ضروری و ناگزیر است. در این فضا مسئله ارتباط و مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با آن، خصوصاً مفهوم «وجهه» و مسئله وجهه‌سازی اهمیتی دوچندان خواهد داشت. به این ترتیب، توجه به جزئیات و پیچیدگی‌ها و ظرایفی که در مقوله ارتباطات میان فرهنگی و وجهه‌سازی وجود دارد اصلی‌ترین نکته‌ای است که کنشگران باید به آن توجه کنند. از آنجا که دولت‌ها و فرهنگ‌ها از جمله بزرگ‌ترین کنشگرها در این فضای جهانی شده هستند، توجه به مواضع و جزئیات و خاص‌بودگی هر کدام از آنها ضرورت دارد.

در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به چنین ظرایفی توجه شده و سعی شده است با اشاره به سطوح مختلفی از نسبت دوری و نزدیکی و با توجه به منطق خود-دیگری و بسط آن به مسئله ارتباطات دولت‌ها و فرهنگ‌ها، لزوم توجه به اتخاذ مواضع خاص برجسته شود.

برخی فرهنگ‌ها و شاید معدودی از دولت‌ها با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نسبتی تماماً همسو دارند که باید از این همسویی کمال استفاده و بهره‌را ببرند. از سوی دیگر، در مواجهه با دولت‌ها و فرهنگ‌هایی که به انقلاب اسلامی حسن نظر دارند، توجه به گسترش کمی و کیفی ارتباط، هم‌افزایی در سطوح گسترده، توجه به مشترکات و دوری از اختلافات جزئی می‌تواند راه‌گشا باشد. این در حالی است که در مواجهه با دولت و فرهنگ‌های بی‌موضع باید بر ویژگی‌های فطری و جهانی انسان‌ها تأکید کرد و از تقدم مسائل حاد سیاسی بر مسائل عمومی فرهنگی پرهیز کرد. همچنین، باید با دولت‌ها و فرهنگ‌های متخاصم با شیوه‌هایی مدبرانه و در کمال قاطعیت رفتار کرد.

البته تفکیک میان دولت‌ها و فرهنگ‌های مختلف خود مسئله دیگری است. در مواجهه با فرهنگ‌ها، نگاه فطری، حداکثری و بشری، در مواجهه با ادیان، نگاه معنوی، دینی و

خداپرستی در کلیت و معنای عام آن، در مواجهه با دولت‌های بدون سوء نظر مدارا و ارتباط و استفاده از ظرفیت‌های مختلف و در مواجهه با دولت‌های متخاصم یا هم‌پیمانانشان برقراری مواضع صریح و ضدزورگویانه اولویت دارد.

## منابع

- ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیر، حسن؛ صافی اصفهانی، علی‌اکبر؛ صافی اصفهانی، محمدوحید (۱۳۹۴). «ارتباطات میان ادیانی: تعریف، مفاهیم، جایگاه»، در: الاهیات تطبیقی، ش ۱۴، ص ۱۷-۳۸.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- دوتا-برگمن، موهان جی. (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌های جهانی، گردآوری و ترجمه: حسن بشیر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- راه حق، دنیا؛ آب‌نیکی، حسن؛ اکبری نوری، رضا (۱۳۹۹). «چگونگی رابطه خود/دیگری در ایران سده اخیر با کاربست الگوی باختین و رهیافت شانتال موف»، در: پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ش ۵۹، ص ۷۷-۱۱۶.
- سعیدی، روح‌الامین (۱۴۰۰). «پیوند سیاست اعلی و ادنی: نقش سردار سلیمانی در تصویرسازی از جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماد مقاومت»، در: جامعه مهدوی، ش ۴، ص ۳۶-۵۸.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، در: اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.
- عباسی، مهدی؛ قنبری سلحشور، محمدرضا (۱۳۹۷). «دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم آمریکا و ایران در عصر جدید»، در: مطالعات سیاسی، ش ۳۹، ص ۹۵-۱۱۲.
- گادیکانست، ویلیام (۱۳۹۶). نظریه‌پردازی درباره ارتباطات میان‌فرهنگی، ترجمه: حسن بشیر و همکاران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

یاقوتی، محمد مهدی (۱۳۹۰). «تحلیل سیاست خارجی و هویت خارجی جمهوری اسلامی ایران»،

در: نظریه سیاست خارجی، ش ۱، ص ۱-۲۸.

Abbasi, M., & Qanari Salahshour, M. (2018) Iran's cultural diplomacy and soft power; America in the new era. *Political Studies Quarterly* 10(39), 95-112. (In Persian).

Abedi Ja'fari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A., & Sheikhzade, M. (2011). Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities). *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. doi: 10.30497/smt.2011.163 (In Persian).

Bashir, H., Safi Esfahani, A. A., & Safi Esfahani, V. (2015). Interreligious Communication (Definition, Concepts, Situation). *Comparative Theology*, 6(14), 17-38. (In Persian).

Dutta-Bergman, Mohan J. (2014). Public diplomacy, global policies and programs, compilation and translation by Hassan Bashir. Tehran: Imam Sadiq University (AS). (In Persian).

Gudykunst, William (2016). Theorizing about intercultural communication, translation by Hasan Bashir et al., Tehran: Imam Sadiq University (AS). (In Persian).

Hariri, Najala (2015). Principles and methods of qualitative research, Tehran: Islamic Azad University. (In Persian).

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673> (In Persian).

Izadi, F. (2011) American public diplomacy towards Iran. Tehran: Imam Sadeq University (AS) (In Persian)

King, N.; Horrocks, C. (2010). *Interviews in Qualitative Research*, London: Sage.

Raheghagh, D., akbari nouri, R., & Abniki, H. (2020). Qualities of self/ other relationship in Iran in the last century: using Bakhtin model and Chantal Moff approach. *Research Letter of Political Science*, 15(3), 77-116. doi: 10.22034/ipsa.2020.408 (In Persian).

Saeidi, R. (2021). The Relationship between Superior and Inferior Politics: The role of Commander Soleimani in Illustrating the Islamic Republic of Iran as a Symbol of Resistance. *Mahdavi Society*, 2(2), 35-58. doi: 10.22081/jm.2022.63144.1048 (In Persian).

Salehi Amiri, R (2009). *Cultural Diplomacy*, Tehran: Qoqnoos. (In Persian).

Yaqouti, M. M. (2010). "Analysis of foreign policy and foreign identity of the Islamic Republic of Iran", in: *Theory of Foreign Policy*, Vol. 1, pp. 1-28. (In Persian).